



# فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر

www.lthjournal.ir



دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

## بررسی ماهیت و مفهوم تهدید و خطر جانی در فقه و حقوق ایران

عبدالکریم گل گون<sup>۱</sup>

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

### چکیده

از ثمربخش‌ترین مصادر سامان مصادر جرم‌شناسی، «جرائم‌شناسی و ماهیت تهدید و خطر جانی» است. افزون بر این سیاق سلوک با این موقع، از مقاله‌ای خطیر حقوق کیفری و تأمینات ژرف از آن برانگیزاندۀ شاکله حقوقی حقوقدانان از تحکیم شایسته فکری است. برهان پاسداری از امنیت عرصه رسالت‌های حکومت اسلامی، مسبب تحریض قانون‌گذار ایران برای وصف این جرم، از این جهت که در قوانین پیش از انقلاب عرضه‌ای جامع و میرهن از جرم تهدید و خطر جانی برای بازشناخته‌شدن وجود ندارد و این مقوله پس از انقلاب اسلامی ایجاد شد. با وجود اینکه مفهوم تهدید از مفاهیم بحث‌برانگیز است، ولی در ماهیت آن‌ها میان فقهاء و حقوقدانان اختلاف چندانی مشاهده نمی‌شود. در ضمن باید بیان کرد که این مقاله، مؤید بر تأسیسی بودن نظرات و بحثی مستوتع در این زمینه نیست، بلکه مقصود در آن ارائه گزارشی از مفهوم تهدید و خطر جانی و جرم‌شناسی آن از منظر فقه و حقوق ایران، به منظور استکشاف راهکاری مدرن از طریق نظرات ارائه شده، یا پیشنهادهای قابل‌بیگیری، می‌باشد.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۳-۴۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن:

ایمیل: ak.golgoun@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

تهدید، ارعاب، ترس، فقه امامیه، فقه عامه.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

موضوع تهدید، مسئله‌ای نقش پرداز است که اهمیت آن بر هیچ کس پوشیده نیست و ایجاد نالمنی در جامعه، زندگی را بغرنج می‌سازد. این نالمنی با هر عنوانی مانند، جانی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... موجب رواج جرم تهدید شده‌اند. افروزن بر اینکه یکی از مسائل دارای کاربرد فراوان در فقه و حقوق، مفهوم و جرم‌شناسی «تهدید و خطر جانی» است که در حوزه فقه و حقوق کیفری دارای مباحث بحث‌برانگیز متعددی است. از این‌رو برای پیشگیری از اشتباه در تشخیص مبادی تصوری، نیازمند تحقیقاتی می‌باشد که بررسی ابعاد فقهی حقوقی خلاً موجود را بر طرف سازد.

سیر مطالب نوشتار پیش رو به این نحو است که در ابتدای پژوهش به تعریف فقهی و حقوقی تهدید پرداخته و سپس عناصر و شرایط تحقق آن از منظر فقهها و حقوقدانان از تهدید را مدنظر قرار داده و با استمداد از تراث فقهی خود، انتقادات اصلی وارد بر آن را مطرح، بررسی و در حد امکان و بضاعت پاسخ داده و در نهایت به مذاقه جرم‌شناسی آن پرداخته خواهد شد. از این‌رو این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل منابع موجود و با امعان نظر از فقهها و حقوقدانان، موضوع را تبیین و تشریح کرده و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری، بانک‌های اطلاعاتی، شبکه‌های کامپیوترباز و استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی است.

مطلوب این پژوهش دائیرمدار تعیین ماهیت تهدید و خطر جانی و مجازات تهدید‌کننده می‌باشد. در تنقیح موضوع مفهوم تهدید و خطر جانی سخن بسیار رفته است، آیا موضوع آن فقط کسی است که تهدید کرده باشد، یا هر کسی به هر نحو حتی مثلاً به صورت بغي، محارب، اکراه و اجیار کرده باشد، موضوع آن است؟ یا به طور مطلق هر تهدیدی، موضوع این مجازات است؟ بدؤاً برای مشخص شدن حد و مجازات محارب، ناگزیر باید با مفهوم آن آشنا شویم.

## ۱- مفهوم تهدید از منظر فقه و حقوق ایران

نگارنده در صدد است برای تشخیص مفهوم تهدید و خطر جانی مقرر در فقه و حقوق ایران، تعریف آن را در لغت، فقه و حقوق ایران مشخص نماید.

### ۱-۱- تعریف تهدید

#### ۱-۱-۱- تعریف تهدید در لغت

«تهدید» از ریشه «هدّه» است و معنای «ترساندن»، چنانکه در مفردات راغب آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۸/۱۸۳). در فرهنگ فارسی تهدید مرادف با «ترساندن» است (دهخدا، ۱۳۸۵: ذیل کلمه تهدید). با نگاهی به تعریف‌ها و عناوین مذکور روش می‌شود که تهدید به معنای ترسانیدن کسی به وعده انجام دادن کاری علیه او یا متعلقاتش (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۶۷).

#### ۱-۲- تعریف تهدید از منظر فقهای امامیه

محقق حلی در تعریف تهدید گفته است: «التوعد و التهديد فانهما يصدران لمنع الانسان من فعل معين» (محقق حلی، ۱۹۸۳: ۴/۱۸۰)، یعنی «تهدید موجب منع انسان از کار معین می‌شود». اسلام و بعده آن فقهها با تحريم تهدید و ارعاب، زمینه تصمین امنیت را فراهم آورده است و حتی به مظلوم اجازه داده است که اگر راهی برای احقاق حق خود نیابد، از خشونت استفاده کند. از دیدگاه اسلام، خشونت‌آمیز بودن عمل، معیار تهدید من نوع و ارعاب نامشروع نیست، زیرا ممکن است اعمال خشونت‌آمیز، جنبه مجازات و تنبیه یا دادخواهی داشته و یا نوعی دفاع مشروع باشد. در فقه سیاسی «سلاح کشیدن» که معمولاً یکی از اعمال تهدید‌آمیز شمرده می‌شود، به عنوان جرمی که مرتكب آن مستحق اعدام می‌باشد، تلقی شده و با آن قاطعانه برخورد شده است: «إِنَّمَا جُزًا الَّذِينَ يَحْرَبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يَقْتُلُوْا أَوْ يَصْلِبُوْا أَوْ تَنْقِطُعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلِهِمْ مِنْ خَلَافٍ أَوْ يَنْفُوا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خَزِيٌّ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده/۳۳). در این آیه که مجازات شدید اعدام و تبعید برای محارب مشخص شده، موضوع و هدف ارعاب و تهدید به صراحة ذکر شده و به جز کیفر دنیوی، وعده مجازات دردناک‌تر اخروی نیز داده شده است. فقهاء خون کسی را که جان دیگری را تهدید کرده، مباح دانسته‌اند و تعرض به امنیت خانه همسایه را حتی اگر با نگاه کردن باشد، مجوز دفاع تا سر حد آسیب رساندن و ارتکاب قتل شمرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۱/۴۸۷).

در اسلام مسؤولیت مقابله با تهدید و ارعاب یک وظیفه همگانی (واجب کفایی) است که باید همه یک دست در برابر

امام فرمودند: اگر برای بازی است ایراد ندارد» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۳۱۵/۲۸).

### ۳-۲- حصول خوف در دیگران

از دیگر موارد تحقق تهدید حصول خوف در دیگران است. اما پرسشی که در اینجا مطرح است، اینکه اگر شخصی سلاхи تجربید کرد، ولی این عمل موجب خوف خفیف شد؛ آیا مصدق تهدید است؟ فقهها در این ارتباط دو دیدگاه دارند:

۱- قصد ترساندن برای ترتیب احکام تهدید بر شخص کفايت می‌کند و این نظر در ارتباط با محاربه نیز وجود دارد. این قول را علامه در قواعد، شهید اول در لمعه، شهید ثانی در حاشیه ارشاد و ... پذیرفته‌اند (محقق حلی، ۱۴۱۸: ۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۶۸/۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۳۸۰/۵؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۵۴۳/۴؛ شهید اول، ۱۴۱۱: ۲۶۳؛ شهید اول، ۱۳۷۳: ۷/۱۵؛ شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۲۹۰/۹؛ شهید ثانی، ۱۳۸۱: ۱۴۰۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۱: ۹۹/۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۱۴۹/۱۶).

۲- حصول ترس برای ترتیب احکام تهدید بر شخص کفايت می‌کند، نه صرف قصد ترساندن. این قول را فاضل اصفهانی، امام خمینی و ... پذیرفته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۴۹۲/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۱۸۶/۲؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹: ۲۸۸/۱۳-۲۸۷؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۳۱/۲).

حصول خوف در دیگران نزد فقهای اهل عame در تصنیفات آن‌ها ظهور پیدا می‌کند. برای مثال؛ شافعی شرط شوکت و قدرت در شخص را شرط تهدید می‌داند (ابن رشد، ۱۴۳۱: ۴۵۵/۲). ابن رشد القرطبی در این مورد با شافعی هم‌رأی بوده و معتقد است: «و إنما معنى الشوكه عنده قوه المغالبه». منظور از «الشوكت»، قدرت درگیرشدن است و تعداد افراد در آن تأثیری ندارد (زحلی، ۱۳۸۵: ۱۳۰/۶؛ الحصری، ۱۴۱۳: ۶۲۸-۶۲۷). بنابراین با ضعف قاصد اخافه، از اخافه (نسبت به آنکه می‌خواهد بترساند او را) صدق «تهدید» قابل مناقشه است، و اظهار عدم صدق است. در حقوق ایران نیز قدرت تهدیدکننده در عملی کردن تهدید شرط است.

۳- عمدی باشد: فقهها در انتصاب و تعلق احکام تهدید بر افراد، قصد عمد در تحقق تهدید را شرط می‌دانند، بر این اساس تهدید غیرعمدی وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۰: ۱۴۹/۳۰).

عوامل تهدید و ارعاب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند.

### ۱-۳- تعریف تهدید از دیدگاه حقوقدانان

تعریف تهدید از منظر حقوقدانان از تعمیمی همانند فقهای شیعه برخوردار است. از نظر حقوقی عبارت است از مجموعه اقدامات کتبی یا شفاهی که شخص به عمل می‌آورد تا دیگری را به خلاف میل خود وادرار به ارتکاب جرم کند، بهنحوی که اگر از آن امتناع ورزد، احتمال خطر جانی و مالی یا افسای اسرار یا نسبت دادن اموری که موجب هتك شرف می‌شود، برای شخص تهدید شده وجود دارد (شامبیاتی، ۱۳۹۶: ۱۰۴/۱). همچنین تهدید به معنای ترساندن و یا بیان رفتار غیرقانونی یا نامشروعی است که مرتکب قصد انجام آن را دارد. برخی دیگر از نویسنده‌گان حقوقی معتقدند که بیان جملاتی در هنگام عصباتیت که مبنی بر وعده انجام عمل ناشایست نسبت به مال، آبرو یا جان فرد دیگری باشد، در اصطلاح حقوقی، تهدید نامیده می‌شود. ازین‌رو تهدید ممکن است انجام عمل، بیان حرف یا نشان دادن حالتی به طرف مقابل باشد (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۲/۴۴).

### ۲- نحوه تحقق تهدید از منظر فقه و حقوق ایران

تحقیق تهدید در فقه امامیه و حقوق ایران به امور ذیل بستگی دارد:

۱- باید عمل انجام شده عرفاً تهدید محسوب شود از نظر فقهای امامیه برای صدق تهدید، اینکه عمل انجام گرفته عرفاً تهدید محسوب شود، شرط است و این تهدید باید عرفی باشد و عرفاً تهدید بر آن صدق کند، نه اینکه مانند مزاج باشد (بهجت فومنی، ۱۳۸۲: ۴۷۶/۴).

### ۲- قصد الاحافه

یکی دیگر از شرایط تحقق تهدید در فقه امامیه قصد ترساندن است. شهید ثانی بیان می‌دارد که: «بر ایجاد ترس در تحقق تهدید اتفاق نظر وجود دارد و در صورت عدم قصد، تهدید صدق نمی‌کند» (شهید ثانی، ۱۳۸۱: ۵/۱۵). صاحب جواهر در این باره می‌فرماید: «اگر قصد خوف و ترساندن موجود نباشد، تهدید محقق نمی‌شود» (نجفی، ۱۴۰۰: ۵۶۶/۴۱). مؤید این نظرات فقهای شیعه، روایت موسی جعفر (ع)، می‌فرمایند: «رجل شهر الى صاحبه بالسکین»، «... شخصی چاقوی برای دوستش درآورد».

### ۳- عناصر تهدید در فقه و حقوق ایران

#### ۱-۳- عنصر مادی

منظور مواردی است که به علت وجود ادله اثبات دعوا، وقوع عمل مجرمانه از ناحیه متهم اثبات شده و درنتیجه، برای حاکم تردید حاصل نمی‌شود که آیا این عمل مناسب به متهم می‌باشد یا خیر؟ از این‌رو در ماده ۶۶۹ قانون‌گذار عبارت تهدید را به کار برد، لیکن از قید «به هر نحو» که در ابتدای امر قرار داده، دایره وسیعی از تهدید را ترسیم کرده و شامل تهدید شفاهی، کتبی، ایما و اشاره نیز می‌شود، مثلاً اگر شخص دیگری را به‌وسیله نگارش خطوطی که حاکی از تهدید است، بترساند، جرم محقق شده یا آنکه با اشارات چشم و ابرو و غیره اعمالی انجام دهد، که تهدید‌آمیز است؛ ولی در هر صورت عرف در تشخیص آن نقش مؤثری ایفا می‌کند.

نکته دیگر آنکه تهدید باید نسبت به شخص مؤثر باشد و تهدید‌کننده بتواند آن را به موقع اجرا بگذارد و تهدید‌شونده هم از این عمل دچار تشویش و اضطراب شود. درصورتی که شخص مدعی زوال اراده در اثر تهدید دیگری و نهایتاً انجام عمل حقوقی یا بزهی تحت تأثیر تهدید شد، قضاوت عرف در صحت یا سقم ادعای وی نقش اساسی ایفا می‌کند. البته لازم است زمان و مکان نیز در تشخیص عرفی تهدید لحاظ شود. در ماده ۶۶۹ تهدید به قتل یا ضررهاي نفسی یا شرفی یا مالی یا افشاء سرّی نسبت به خود یا بستگان از موضوعات تهدید تلقی شده است. شایان ذکر است که موارد مذکور افاده حصر می‌کند. در مورد قتل توضیح خاصی ندارد و همان تهدید به سلب حیات عمدی است. ضررهاي نفسی در مرتبه بعد از قتل قرار دارد و شامل هرگونه آسیب به سلامتی و نفس شخص می‌شود. در این مورد مثلاً شخص دیگری را تهدید به کور کردن چشم می‌نماید یا به شکستن دندان که این موارد مشمول تهدید به ضررهاي نفسی است. در مورد ضرر شرفی هر موردی که بتوان به شرافت، آبرو، عرض و ناموس شخصی یا بستگانش مربوط نمود، تهدید به آن، تهدید به ضرر شرفی است (حبیب‌زاده، ۱۲: ۱۳۷۶).

#### ۲-۳- عنصر معنوی

مقصود از عنصر معنوی، قصد مجرمانه داشتن به‌منظور تحقیق عنصر معنوی است، یعنی قصد مجرمانه داشتن، نخست باید احراز شود که مرتکب در انجام عمل، قصد و اراده داشته است،

دوماً احراز شود که مرتکب از ممنوعیت عمل ارتکابی آگاهی داشته است. درصورتی که در اصل وجود داشته باشد، مجازات متهم در انجام عمل ارتکابی تردید وجود داشته باشد، مجازات ساقط می‌شود (گلدوییان، ۱۳۸۹: ۲۲۱)، زیرا کیفر مخصوص اشخاص ملتافت و متوجه است و کسانی که بدون توجه و از روی غفلت عملی را که در واقع ممنوع است انجام می‌دهند، قابل کیفر نیستند؛ اما اگر اصل قصد و اراده درباره متهم محقق بوده، ولی توجه نداشته که عمل مذبور جرم است، در واقع، جهل به قانون و حکم مطرح می‌شود که خود بر دو قسم است: جهل به اصل حکم یا جهل به موضوع حکم.

از این‌رو عنصر معنوی این جرم، داشتن علم و عمد نسبت به اقدامات انجام گرفته است. بنابر این؛ تهدید از جرایم عمدی و جهت تحقق آن صرفاً سوءنیت عام لازم است که قصد مجرمانه شخص در ایجاد تشویش و اضطراب در مجنبی‌علیه است. اینکه واقعاً مرتکب قصد انجام دادن موضوع تهدید را دارد یا خیر و به‌عبارتی قصد نتیجه که لازمه وقوع جرم مندرج در ماده ۶۶۸ ق.م.ا. است، در تتحقق جرم موضوع ماده ۶۶۹ تأثیری ندارد، صرف ایجاد نگرانی کافی است، بدون آنکه مقدمه انجام مورد تهدید توسط تهدید‌کننده باشد. در واقع این ماده برخلاف ماده ۶۶۸ که در آن جرم با تهدید و اکراه مجنبی‌علیه وی را ملزم به دادن نوشته یا سند یا ... می‌کرد و تتحقق جرم مشروط بر آن بود که موارد مندرج در ماده از مجنبی‌علیه با جبر، تهدید، یا اجبار اخذ شود، صرف اینکه شخص مجنبی‌علیه را تهدید و قصد تشویش و نگران کردن وی را داشته باشد، جرم ماده ۶۶۹ تتحقق یافته است. جنانکه ماده نیز اشعار می‌دارد: «... اعماز اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد ...». البته اگر مطالبه امور مذکور را هم نمود، مجازات وی تشدید می‌شود. حال اگر تهدید منجره نتیجه‌ای هم شد، مثلاً شخصی دیگری را به احرق منزلش تهدید کرد و به تهدید خود نیز عمل کرد، مجازات فعل اخیر نیز با رعایت شرایط قانونی در مورد وی اعمال می‌گردد. انگیزه مرتکب در وقوع جرم موضوع ماده ۶۶۹ بی‌تأثیر است، مثلاً شخص دیگری را به انگیزه شرافتمدانه یا نجات فرد دیگر یا هر انگیزه انسان‌دوسستانه تهدید به جرم می‌کند و یا به انگیزه مزاح و تفریح چنین اقدامی انجام دهد. البته قاضی دادگاه می‌تواند درصورت وجود انگیزه شرافتمدانه

این حقیقت صراحة ندارد، اما به کمک اتفاق فتاوا و سیاق ادله به خوبی استفاده می‌شود که حکم اکراه، مرکب از دو جزء است: «تهدید» و «تأثیر تهدید» و به تنها می‌ موضوع حکم و مجازات نیست (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۲؛ امامی کاشانی، ۱۳۷۲: ۹۲).

با این توصیف، صحیح آن است که گفته شود تهدید، عنصر اکراه و توجیهی برای تحقق مجازات است که در ادامه به تشریح آن خواهیم پرداخت. به این صورت که اگر گفته شود، چرا مجازات به این سنگینی باید در مورد تهدید اجرا شود، گفته می‌شود چون اکراه‌کننده است. به تعبیر برخی اساتید، «تهدید» خود موضوع حکم نیست، بلکه به اصطلاح علماء و حقوقدانان معقول، تهدید واسطه و علت در ثبوت مجازات مکره است» (مرعشی، ۱۳۷۰: ۴۴). بنابراین عنوان تهدید، یک عنوان مستقل از جرم اکراه می‌باشد و در مقام بیان، دو عنوان جداگانه دارد که یکی اعم از دیگری است، زیرا اکراه در سایر مصاديق بحث تهدید مطرح نمی‌شود و خود تهدید مجازاتی غیر از اکراه دارد. در واقع می‌خواهیم تبیین کنیم که تهدید یکی از عناصر اکراه است و از طرفی نوعی تعییل برای شدت گناه و جرم مکره باشد. بنابراین تهدید مصاديق متعددی دارد که برخی از آن‌ها عنوان معینی مانند اکراه هم دارند (شهید ثانی، ۱۳۸۱: ۵۵/۱۰).

ماده «۲۴۰» قانون مدنی می‌گوید: «تهدید طرف معامله در نفس یا جان و آبروی اقوام نزدیک او از قبیل زوج و زوجه و اباء و اولاد موجب اکراه است...». تمامی نسخ چاپی قانون مدنی که ملاحظه گردید، عبارت (نفس یا جان یا آبرو) نوشته شده است.

#### ۲-۴- شرایط ثبوت تهدید در اکراه برای تحقق تهدید در اکراه سه شرط لازم است:

۱- اکراه و تهدید صورت گرفته در آن به وسیله اعمالی باشد که مؤثر در هر شخص با شعوری باشد (ماده ۲۰۲ قانون مدنی). منظور از شخص با شعور، کسی است که مبتلا به ضعف اعصاب دماغی نباشد، مانند؛ ابله، زیرا عملی که در اشخاص با شعور تأثیر نمی‌کند. در شخص عادی معمولی موجب اکراه نمی‌شود و اعمال کسی که دارای ضعف اعصاب دماغی است، از نظر عدم اهلیت باطل می‌باشد. درجه شعور اشخاص به اعتبار درجه ترقی افکار محیطی که در آن تربیت شده‌اند متفاوت است.

در محدوده بند ۳ ماده ۲۲ ق.م.ا مبادرت به تخفیف مجازات مرتکب کند (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۲۲۱).

#### ۳-۳- عنصر قانونی

از عناصر قانونی جرم تهدید ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است که در ادامه مفصل توضیحاتی بیان خواهد شد. مجازات جرم تهدید در ماده ۶۶۸ حبس از سه‌ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق است. مجازات این جرم در درجه ۶ قرار می‌گیرد و امکان صدور قرار تعلیق اجرای حکم و تعویق صدور حکم در این درجه وجود دارد. تهدید موضوع ماده ۶۶۹ نیز مستوجب مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا دو ماه تا دو سال است. مجازات این جرم نیز در درجه ۶ قرار می‌گیرد. طبق بند یک ماده ۴۳ ق.م.ا، تهدید یکی از مصاديق معاونت در جرم یادآوری شده، البته باید متذکر شد، تهدیدی که در قالب اکراه باشد، از موارد رفع مسؤولیت کیفری است که در ماده ۵۴ ق.م.ا آورده شده است (منصورآبادی، ۱۳۷۵: ۵۸).

عناوین مجرمانه تهدید و خطر جانی مشتمل بر برخی ابهامات از جهت تعدد یا وحدت موضوع می‌باشد، ازین‌رو محور فرعی این مقاله، یافتن پاسخ این پرسش است که آیا تهدید و خطر جانی و همچنین اکراه، عنوان مستقل از هم هستند، یا اینکه به نحو ترادف بر موضوع واحدی صادق هستند؟

#### ۴- پیوستگی تهدید با اکراه

ثنویت یا یگانگی دو موضوع مجادله آمیز تهدید و اکراه است. عده‌ای از فقهاء هیچ تفاوتی میان تهدید و اکراه قائل نیستند و در مقابل، عده‌ای از فقهاء و مفسران می‌گویند مفهوم تهدید؛ عامتر از اکراه است، به گونه‌ای که اکراه فقط یکی از موارد تهدید است. در زیر به رابطه و ضابطه تهدید با اکراه اشاره خواهیم کرد:

#### ۱-۱- رابطه و ضابطه تهدید و اکراه

حقیقت آن است که قاطبه مفسران، فقهاء و حقوقدانان معتقدند که تهدید و اکراه، دو عنوان جداگانه هستند و اکراه قسمی تهدید می‌باشد؛ زیرا «تهدید» و «اکراه» معطوف بر یکدیگرند و مجموع این دو برای بیان یک حقیقت است (امامی کاشانی، ۱۳۷۲: ۹۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۶۳۸). علاوه‌بر آن، فقهاء و حقوقدانان، اتفاق نظر دارند که موضوع حکم اکراه، «خاص» است، نه مجرد «تهدید» و مطلق «تهدید». نصوص گرچه بر

شود، مجازات نخواهد شد. در این مورد اکراه‌کننده به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد» (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۲۵۰/۲). افرون بر این، ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، ضمن نسخ ماده ۲۹ سال ۱۳۶۱ مقرر می‌دارد: «در جرایم موضوع مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار و اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد، مرتکب جرمی شود، مجازات نخواهد داشت. در این مورد، اجبارکننده به مجازات فاعل جرم، با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم، تأذیب از ععظ و تبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می‌شود». در این حالت، سبب عفو مباشر می‌شود و تهدیدکننده مسؤولیت دارد. شایان ذکر است که اکراه در قتل، وضع استثنایی دارد. می‌توان گفت که در اکراه موضوع موارد ۲۹ و ۴۵ قوانین سابق و لاحق مرتکب‌شونده، فاقد رضا، ولی قصد بوده و درحالی که در تهدید موضوع مواد ۲۱ و ۴۳ همان قوانین، در لحظه ارتکاب دارای قصد و رضا بوده است (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۲۵۰/۲).

نتیجه اینکه؛ اکراه در فقه با شروطی چون وجود مکره و واقع شدن تهدید و مؤثر و مفید بودن تهدید به حال مکره و ... واقع می‌شود؛ و در حقوق نیز با شروطی، مانند تهدید مؤثر و غیرقابل تحمل در جان و مال و آبروی مکره واقع می‌شود. همچنین اکراه در فقه به حق و ناحق و در حقوق نیز به اعتبارهای مختلف تقسیم می‌شود. اکراه موجب رفع تکلیف و نیز رفع حکم وضعی می‌گردد و در معاملات سبب بطلان یا غیر نافذ شدن عقد می‌شود که فقها در این زمینه اختلاف نظر دارند.

**۲-۵- وارسی مجازات تهدید به عنوان معاونت در جرم**  
تهدید از نظر حقوقی که از مصادیق معاونت در جرم است که به طور مستقل مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. زیرا اگر شخص دیگری را از طریق تهدید مصمم به ارتکاب جرم کند، به عنوان معاون جرم، مستحق مجازات است؛ بر این اساس ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر می‌دارد: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: ۱- هر کس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم کند و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود؛ ۲- هر کس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا از طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.»

مصادیقی را که ماده مزبور برشمرده است، می‌توان تهدید را در آن بسته‌بندی کرد. از این‌رو از یک منظر کلی می‌توان معاونت

۲- اکراه در شخصی که مورد تهدید قرار گرفته، تأثیر کند: بنابراین هرگاه کسی که تهدید می‌شود بداند که تهدیدکننده نمی‌تواند عملی را که به وسیله آن تهدید نموده انجام دهد، یا خود قادر بر اینکه بدون مشقت از عمل او جلوگیری نماید و معامله را واقع نسازد، مکره شناخته نمی‌شود (ماده ۲۰۵ قانون مدنی). بدین جهت هرگاه یکی از معاملین مدعی عدم نفوذ معامله به استناد اکراه شود، طرف او برای اثبات صحت معامله می‌تواند ثابت کند که عمل، اگرچه تهدیدآمیز بوده است و عموماً در هر شخص با شعوری مؤثر واقع می‌شود، ولی در معامل با وقت روحی و تجربیات بسیاری که از محیط متشنج و پُراشوب دارد، هیچ‌گونه تأثیری نکرده و در اثر اکراه معامله انجام نشده، بلکه رضایت کامل داشته است. ذیل ماده ۲۰۲ «قانون مدنی می‌گوید: «... در مورد اعمال اکراه‌آمیز، سن و شخصیت و اخلاق مرد یا زن بودن شخص باید در نظر گرفته شود، تا دادرس بتواند درجه تأثیر عمل اکراه‌آمیز را در معامله‌کننده تشخیص دهد»، هرگاه تهدید به وسیله اعمالی باشد که عادتاً قابل تحمل است همین‌گونه است (مفهوم مخالف قسمتی از ماده ۲۰۲ قانون مدنی). چنانکه کسی برای تهدید همسایه تا او را وادار به فروش خانه خود بنماید، بگویید: «هرگاه خانه‌ات را به من نفرושی تمامی برف‌های پشت بام خود را بر بام اتاقت می‌ریزم یا آب حوض و آب انبار به منزلت نمی‌دهم، زیرا همسایه می‌تواند آن برف‌ها را بروید و از طریق دیگری تهیه کند (امامی، ۱۳۷۵: ۱۹۲/۱).

۳- تهدید باید به وسیله امر غیرقانونی باشد: بنابراین هرگاه کسی به وسیله اعمالی که قانون اجازه داده، دیگری را وادار به انجام معامله کند، شخص مزبور مکره شناخته نمی‌شود، مثلاً چنانکه طلبکار به بدھکار خود بگویید: هرگاه وجه سند مرا پنپردازی، اجراییه صادر می‌کنم و خودت یا اموالت را بازداشت خواهم کرد و اگر فعلاً نمی‌توانی آن را بدھی، خانه‌ات را در رهن من بگذار، رهن مزبور صحیح می‌باشد (امامی، ۱۳۷۵: ۱۹۳/۱).

## ۵- مذاقه جرم‌شناسی تهدید از منظر فقه و حقوق ایران

**۱- بررسی مجازات تهدید در اکراه**  
اکراه در قالب تهدید از موارد رفع مسؤولیت کیفری و معافیت از مجازات است. طبق ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی «در جرایم تعزیری هرگاه کسی بر اثر اجبار عادتاً غیرقابل تحمل مرتکب جرمی

او إعمال خواهد کرد. مجازات جرم تهدید در ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات: «هرکس با جبر یا با اکراه و تهدید، دیگری را ملزم به دادن نوشه یا سند یا امضاء و یا مهر کند و یا سند و نوشه‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد، به حبس از سه‌ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». همچنین ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی مجازات تهدید را به نوعی دیگر مشخص کرده است. طبق این ماده «هر گاه کسی را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افسای سری نسبت به خود یا بستگان او کند، اعماز اینکه به این واسطه تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.» طبق این ماده، مجازات جرم تهدید یا از ۱ تا ۷۴ ضربه شلاق و یا دو ماه تا دو سال حبس خواهد بود. واژه «یا» در این ماده، یعنی یکی از این دو مجازات اعمال خواهد شد که قاضی با توجه به اوضاع و احوال و شخصیت مجرم، یکی را درنظر خواهد گرفت.

#### ۶- تطبیق تهدید در ماده ۴۳ و ۶۶۸ یا ۶۶۹

پرسشی که در اینجا قابل طرح می‌باشد این است که آیا تهدید در ماده ۴۳ ق.م.ا. مشمول تهدید ذکر شده در مواد ۶۶۸ یا ۶۶۹ ق.م.ا. می‌شود؟ برای مقایسه مواد مورد بحث، بهتر است متن مواد مذکور را آورده و سپس طرح بحث نماییم.

ماده ۴۳ ق.م.ا: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفاتر و مراتب جرم و تأثیب از عظم و تهدید و درجات تعزیر تعزیر می‌شوند. هرکس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم کند و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود...».

ماده ۶۶۸ ق.م.ا: «هرکس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشه یا سند یا امضاء یا مهر کند و یا سند یا نوشه‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد، به حبس از سه‌ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد...».

ماده ۶۶۹ ق.م.ا: «هرگاه کسی، دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و به افسای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعماز اینکه این واسطه تقاضای انجام امر یا ترک فعل را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

در جرم را به دو نوع مادی و معنوی قابل تقسیم دانست. پس تهدید، تطمیع، دسیسه، نیرنگ و ارائه طرق ارتکاب جرم از مصاديق معاونت معنوی هستند و تهیه و واگذاری وسایل و همین طور تسهیل وقوع جرم قبل یا مقارن با عمل از مصاديق معاونت مادی محسوب می‌شوند. بنابراین تهدید، ترساندن و بیم دادن است. یعنی شخص از طریق ایجاد ترس جانی یا مالی یا حیثیتی برای دیگری، او را به ارتکاب جرم وادار کند.

#### ۵- بررسی تهدید به عنوان جرم مستقل

تهدید در چند مورد به عنوان جرم مستقل مورد حکم قانون گذار قرار گرفته است و چنانکه بیان شد، تهدید یعنی اینکه شخصی یک نفر دیگر را به اینکه نسبت به او یک عمل بد و نامشروع انجام دهد، بترساند. این عمل بد و نامشروع می‌تواند ترساندن از قتل، آسیب جسمی، بردن آبرو و مواردی از این دست است که موجب می‌شود فرد بترسد و دچار رعب و وحشت شود. در موارد مختلفی از قانون مجازات اسلامی مصاديقی از تهدید ذکر شده که به عنوان جرم مستقل ملاحظه گردیده است. این موارد تهدید و ترساندن به قرار ذیل هستند:

۱- کسانی که با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگران را تهدید می‌کنند (ماده ۶۱۷ ق.م.ا).

۲- کسانی که با تهدید دیگران را ملزم به دادن نوشه یا سند یا مهر و امضا می‌کنند (ماده ۶۶۸ ق.م.ا).

۳- کسانی که دیگران را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افسای سری نسبت به خود یا دیگران می‌کنند (بند ۳ ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی).

۴- تهدید کسانی که هوایمای آماده برای پرواز یا در حال پرواز را در اختیار می‌گیرند و با تهدید در کار فرودگاه یا مأموران مسؤول اینمی پرواز و هدایت اخلال می‌کند (ماده ۵۱۱ ق.م.ا).

۵- آدمربایی به وسیله تهدید (ماده ۶۲۱ ق.م.ا).

افزون بر این، قانون گذار نسبت به این جرم و تأثیر آن بر جامعه، واکنش نشان داده است و برای مرتكب آن، مجازات درنظر گرفته است. بنابراین درصورتی که تمام شرایط تحقق جرم تهدید به وقوع بپیوندد و جرم تهدید شکل بگیرد، به گونه‌ای که قابلیت اثبات داشته باشد، قانون گذار مجازات را به

باشد، شخص تهدیدکننده به دو مجازات محکوم نمی‌شود و فقط مجازات معاونت را خواهد داشت. ولی اگر تهدید، صرف تهدید باشد، و از مصاديق ماده ۶۶۹ باشد، یک جرم مستقلی شناخته شده و مجازات مذکور در آن ماده را خواهد داشت.

بعضی از اساتید دیگر بر این عقیده‌اند که: قصد به انجام یک عمل مجرمانه تجزیه‌پذیر نیست. یک شخص در آن واحد نمی‌تواند دو قصد داشته باشد. فقط یک قصد می‌تواند داشته باشد. به هر حال وقتی یک معاونت در جرمی انجام می‌گیرد، قصد در آن مطرح است. ولی نمی‌شود بگوئیم قصد از تهدید به قتل برای سرقت در آن واحد هم ترساندن شخص تهدید شده است و هم معاونت در سرقت انجام گرفته است. اگر تهدید برای سرقت بوده است، قصد از آن متوجه سرقت بوده و مجازات معاونت را دارد. اگر تهدید فقط برای ترسانیدن بوده، قصد آن متوجه جرم خاص تهدید بوده است و مجازات ماده ۶۶۹ ق.م. را خواهد داشت. در کل مجازات به قصد شخص تهدیدکننده بستگی دارد. اگر بتوان فرض کرد که تهدیدی انجام گرفته و هم مشمول ماده ۴۳ ق.م.ا (معاونت) و هم مشمول ماده ۶۶۹ ق.م.ا باشد، تعدد معنوی در جرم وجود خواهد داشت که مجازات اشد را اعمال می‌کنیم.

بعضی از اساتید دیگر معتقدند که: ماده ۴۳ ق.م.ا در واقع معاون را تعریف کرده است و مجازات معاون را تعیین نکرده است. ولی ماده ۶۶۹ ق.م.ا در قسمت حقوق جزای اختصاصی قانون مجازات اسلامی آمده است. باید گفت در حقوق جزای اختصاصی مناسب با هر جرمی مجازاتی تعیین شده است. مثلاً برای مباشر اصلی و گاه معاون .... مجازات تعیین گردیده است. در ضمن ماده ۴۳ ق.م.ا، کلیات و اصول را بیان کرده و در بند ۱ ماده ۴۳ ق.م.ا بطور کلی تهدید را از مصاديق معاونت برگشته شمارند. ولی در ماده ۶۶۹ ق.م.ا تهدید در مورد خاصی را جرم تلقی کرده است. بنابراین هیچ تعارضی بین این دو ماده وجود ندارد. بهنظر می‌رسد ماده ۴۳ ق.م.ا تهدیدی را بیان می‌کند که در رابطه با جانی هست، ولی در ماده ۶۶۹ ق.م.ا تهدید را درنظر دارد که نسبت به مجنی علیه انجام گرفته است. در تهدید مصدق ماده ۴۳ ق.م.ا که معاونت می‌باشد، شخص تهدیدکننده غیرمستقیم در جرم نقش داشته، ولی در تهدید ماده ۶۶۹ ق.م.ا تهدیدکننده مباشر اصلی جرم است و به طور مستقیم در جرم تهدید نقش داشته است.

پرسش دیگری که مطرح است این است که فرض کنید تهدید صورت می‌گیرد و این تهدید از مصاديق ماده ۶۶۸ و ۶۶۹ ق.م.ا می‌باشد. همچنین این تهدید منجر به یک نتیجه مجرمانه دیگری نیز شده است که به استناد ماده ۴۳ ق.م.ا می‌توان آن را از مصاديق معاونت در جرم شناخت. حال با توجه به اطلاقی که در ماده ۶۶۸ و ۶۶۹ داریم، مجازات این عمل مجرمانه چیست؟ مثلاً شخص (الف) شخص (ب) را تهدید به قتل می‌کند و به او می‌گوید اگر فلان مال شخص (ج) را سرقت نکنی، تو را می‌کشم. شخص (ب) از ترس جان، دست به سرقت آن مال می‌زند. حال مجازات شخص تهدیدکننده یعنی شخص (الف) چیست؟ آیا مجازات این عمل مجرمانه را به خاطر اینکه ماده ۶۶۹ اطلاق داشته و مؤخر است، فقط مجازات مذکور در این ماده بدانیم؟ یا به خاطر اینکه جرم به نتیجه مجرمانه متنه شده، طبق ماده ۴۳ ق.م.ا فقط مجازات معاونت بدانیم؟ یا اینکه این عمل مجرمانه را از مصاديق تعدد معنوی جرم بشناسیم؟ (یک عمل واحد، دو عنوان مجرمان).

## ۶- جرم خاص تهدید

معاونت در جرم سرقت و مجازات این عمل مجازات اشد خواهد بود، یا این عمل مجرمانه را از مصاديق تعدد مادی جرم بشناسیم؟ به خاطر اینکه در واقع این تهدید دو نوع تهدید می‌باشد، یک تهدید به قتل و یک تهدید به قصد معاونت در جرم سرقت بوده است. در اینجا مجازات‌ها تجمعی می‌شود. پس از تحقیقات مختلف از کتب و متابع مکتوب پاسخی دستگیر نشد و چنین پرسشی باید پاسخ داده شود. بنابراین به ناچار برای رسیدن به یک پاسخ قابل قبول به اساتید برجسته حقوق مراجعت می‌کنیم. بعضی از اساتید چنین پاسخ فرموده‌اند: تهدید در ماده ۶۶۹ صرف تهدید است و لازم نیست جرم دیگری واقع شود. ولی در معاونت باید تهدید صورت گرفته و جرم دیگری نیز واقع شود. بنابراین اگر تهدیدی منجر به نتیجه مجرمانه شود، فقط مجازات معاونت را خواهد داشت. چون معاونت یک عنوان خاص است و اگر تهدید به ارتکاب جرم متنه به جرم شخص تهدید شده، شود؛ طبق قانون، شخص تهدیدکننده معاون جرم است. هم اینکه برای معاونت حکم خاصی در ماده ۴۳ ق.م.ا آمده است، تهدیدی که منجر به نتیجه مجرمانه شود، از شمول اطلاق ماده ۶۶۹ خارج می‌شود. ماده ۶۶۹ مطلق است و ماده ۴۳ مقید است و مقید همیشه سرجای خودش باقی می‌ماند و مطلق، مقید را دربر نمی‌گیرد. تهدید اگر از مصاديق معاونت

### اسلامی تعزیر می‌شود.

البته نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد این است در صورتی که فعل تهدید شونده قانوناً جرم نباشد، فعل تهدید کننده، قابل مجازات نیست و تحقق تهدید، مستلزم این است که عمل تهدید، قبل یا هم‌زمان با وقوع جرم بوده و متاخر آن نباشد.

**ملاحظات اخلاقی:** ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

**تقدير و تشکر:** از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله ياري رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم.

**سهم نويسندگان:** نگارش اين مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نويسنده صورت گرفته است.

**تضاد منافع:** اين پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن ادریس حلی، ابی جعفر (۱۴۱۰ق). السرائر. چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- ابن رشد، محمد بن احمد (۱۴۳۱ق). بدایه المجتهد و نهایه المقتضد. چاپ نخست، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب.

- ابن سعید، یحیی بن محمد (۱۳۶۲). الجامع للشرعیع. چاپ نخست، قم: مؤسسه سید الشهداء(ع).

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی. چاپ ۸۴، جلد دوم، تهران: نشر میزان.

- الحصری، احمد (۱۴۱۳ق). السياسه الجزائیه فی فقه العقوبات الاسلامی المقارن. چاپ نخست، بیروت: دار الجیل.

- امامی، حسن (۱۳۷۵). حقوق مدنی. چاپ شانزدهم، جلد نخست، تهران: اسلامیه.

- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۶۷). المکاسب. چاپ دوم، قم: انتشارات علامه.

- بهجت فومنی، محمدتقی (۱۳۸۲). بهجه الفقیه. چاپ دوم، جلد چهارم، قم: شفق.

### ۷- محل رسیدگی به جرم تهدید

صلاحیت رسیدگی به هر جرمی که با شکایت کیفری شاکی آغاز می‌شود، دادسرای عمومی محل وقوع جرم برای جرایم عمومی است. جرم عمومی به جرایمی گفته می‌شود که در دادسرای عمومی قابل رسیدگی است. برای تنظیم شکایت تهدید، امکان مشاوره حقوقی با وکیل متخصص امور کیفری وجود دارد تا بتوان تشخیص داد که آیا تهدید مؤثری صورت گرفته است یا خیر. دادگاه صالح در رسیدگی به جرم تهدید، دادگاه عمومی جزایی ۲ محلی است که جرم تهدید در آن وقوع یافته است. از آنجا که یکی از شکایات و پرونده‌های رایج در دادگاهها مبنی بر جرم تهدید است و شمار زیادی از این جرایم توسط تلفن‌های همراه و سامانه‌های اینترنتی به‌وقوع می‌پیوندد، امروزه امکان تعقیب این شیوه از جرم تهدید وجود دارد. صدای ضبط شده مرتکب مبنی بر تهدید نیز می‌تواند به عنوان آماری در تقویت علم قضایی مورد استفاده قرار گیرد و اگر با دلایل دیگری همراه باشد، موجب صدور حکم در محکومیت مرتکب شود. در مورد ادله مورد نیاز برای طرح شکایت تهدید، شایان ذکر است، طرح هر نوع شکایت کیفری مستلزم ارائه مدارک شناسایی شاکی و نیز ارائه مشخصات و آدرس مشتکی‌عنده در صورت امکان است.

### نتیجه‌گیری

جعل تهدید برای حمایت حد اکثری از امنیت جامعه است و در این خصوص میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر معتبرهایی وجود ندارد. فقهای امامیه و حقوقدانان تعاریف واحدی از تهدید ارائه کرده‌اند. بر این اساس، تهدید عبارت است از: مجموعه اقدامات کتبی یا شفاهی که شخص به عمل می‌آورد تا دیگری را به خلاف میل خود وادر به ارتکاب جرم کند، به نحوی که اگر از آن امتناع ورزد، احتمال خطر جانی یا مالی یا افسای اسرار یا نسبت دادن اموری که موجب هتك شرف می‌شود، برای شخص تهدید شده، وجود دارد. مجازات جرم تهدید، اگر در قانون مجازات خاص تعیین شده باشد، همان مجازات اعمال خواهد شد. همانند تهدیداتی که به عنوان جرم مستقل در صدر مقاله ذکر شده، اما در جرایم تعزیری چنانچه مجازات خاص برای تهدید که مصدق معاونت می‌باشد، وجود نداشته باشد، طبق ماده ۷۶ قانون مجازات اسلامی، مجازات معاون یعنی تهدید کننده حداقل مجازات مباشر، یعنی تهدیدشونده خواهد بود، و در غیر موارد مذکور، معاون طبق ماده ۴۳ قانون مجازات

- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی (۱۳۶۸ق). علل الشرایع. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- طباطبائی، سیدعلی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. چاپ سوم، قم: مؤسسه آل البيت(ع).
- طریحی، شیخ فخرالدین (۱۳۶۲ق). مجمع البحرين. چاپ دوم، تهران: المکتبه المرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۵ق). الاستبصار. نجف: مطبعه التجف.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۵۰ق). تهذیب الاحکام. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). الخلاف فی الاحکام. چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۹۵ق). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. چاپ سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). ارشاد الاذهان. چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام. چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). تحریر الاحکام. چاپ نخست، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- عوده، عبدالقدار (۱۳۶۱ق). التشريع الجنائي الاسلامي مقارناً بالقانون الوضعي. چاپ پنجم، جلد نخست، قم: دراسات الاسلامیه.
- فاضل مقداد، ابن عبدالله سیوری حلی (۱۳۶۱ق). نضد القواعد الفقهیه. چاپ نخست، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). کشف اللثام. چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فیض، علیرضا (۱۳۶۴ق). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام. چاپ اول، جلد اول، تهران: اداره کل ارشاد.
- حبیبزاده، محمدجعفر (۱۳۷۰ق). محاربه و افساد فی الارض. تهران: مؤسسه کیهان.
- حبیبزاده، محمدجعفر (۱۳۷۹ق). محاربه در حقوق کیفری ایران. چاپ نخست، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۳۹۱ق). وسائل الشیعه. چاپ چهارم، بیروت: احیاء التراث العربي.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸ق). اجوبه الاستفتاءات. چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- حلی، فخرالمحققین بن محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. چاپ نخست، قم: اسماعیلیان.
- خراسانی، شیخ محمد کاظم (۱۴۱۲ق). کفایه الاصول. چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵ق). لغت نامه دهخدا. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۶ق). مفردات الفاظ قرآن. چاپ چهارم، جلد هشت، بیروت: دار القلم.
- زحلی، وهبی (۱۳۸۵ق). فقه الاسلامی و ادلته. چاپ سوم، تهران: احسان.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۶ق). حقوق جزای اختصاصی. جلد نخست، تهران: مجد.
- شهید اول، شمس الدین (۱۳۷۳ق). حاشیه الارشاد. چاپ اول، قم: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه.
- شهید اول، شمس الدین (۱۴۱۱ق). اللمعه الدمشقیه. چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۳۸۱ق). مسالک الافہام. چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۳۹۸ق). الروضه البھیه فی شرح اللمعه الدمشقیه. چاپ شانزدهم، قم: دار العلم.
- صدر، محمدباقر (۱۹۸۰م). دروس فی علم الاصول. چاپ اول، بیروت: دار الكتب.

- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). التنجیح. تقریرات میرزا علی غروی تبریزی، چاپ دوم، قم: دارالهادی.
- موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، (۱۴۲۳ق). کتاب القضا، سید علی حسینی میلانی، تقریرات محمد هادی مقدسی، چاپ سوم، قم: دارالقرآن الکریم.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶). حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی). چاپ دهم، تهران: نشر میزان.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۰ق). جواهر الكلام. چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، ملا احمد (۱۴۰۸ق). عوائد الایام. چاپ دوم، قم: مکتبه بصیرتی.
- نوری، میرزا حسن (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. چاپ نخست، قم: مؤسسه آل البيت (ع)
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (ملامحسن) (۱۴۰۱ق). مفاتیح الشرائع. چاپ دوم، جلد دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. چاپ بیست و چهارم، تهران: نشر میزان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). حدود و قصاص و دیات. چاپ سوم، تحقیق از: علی فاضل، قم: نشر آثار اسلامی.
- محقق (اول) حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق). مختصر النافع. چاپ ششم، قم: مطبوعات دینی.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین (۱۴۰۹ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ دوم، بیروت: دار الفکر.
- مرعشی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). تاج العروس. چاپ اول، جلد چهارم، بیروت: دار الفکر.
- مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۷۰). افساد فی الارض از دیدگاه قرآن و روایات و عقل. «مجله حقوقی و قضایی دادگستری»، شماره دو.
- مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام. چاپ اول، جلد اول، تهران: نشر میزان.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۹). مجمع الفائد و البرهان. چاپ سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- منصور آبادی، عباس (۱۳۷۵). بررسی جرم محاربه. دادرسی، پیش شماره دوم.
- موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه. چاپ سوم، تهران: مؤسسه عروج.
- موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن (۱۳۹۶). القواعد الفقهیه. چاپ چهارم، قم: دلیل ما.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. جلد اول، قم: دارالعلم.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵ق). الرسائل. قم: مؤسسه اسماعیلیان.



Volume 3, Issue 1, 2022

## Investigating the Nature and Concept of Threat and Danger to Life in Iranian Jurisprudence and Law

Abdolkarim Golgoon<sup>1</sup>

1. Master Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

#### Type of Article:

Original Research

Pages: 33-44

#### Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: ak.golgoon@yahoo.com

#### Article history:

Received: 23 Oct 2021

Revised: 25 Nov 2021

Accepted: 30 Dec 2021

Published online: 21 Mar 2022

#### Keywords:

Threat, Intimidation, Fear, Imami Jurisprudence, General Jurisprudence.

### ABSTRACT

One of the most fruitful sources of criminological sources is "criminology and the nature of threat and danger to life". In addition, the context of behavior at this time, one of the serious articles of criminal law and its in-depth provision, inspires the legal structure of jurists from a well-deserved intellectual consolidation. The argument of protecting the security of the missions of the Islamic government, causes the Iranian legislator to incite to describe this crime, because in the laws before the revolution there is no comprehensive and obvious offer of the crime, threat and risk of life to be recognized and this the category was created after the Islamic Revolution. Although the concept of threat is a controversial concept, there is not much difference in their nature between jurists and jurists. In addition, it should be noted that this article does not confirm the founding of opinions and debates in this field, but rather provides a report on the concept of threat and danger to life and its criminology from the perspective of Iranian jurisprudence and law, in order to explore a modern solution is through the comments provided, or the suggestions that can be followed.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Golgoon, A (2022). "Investigating the Nature and Concept of Threat and Danger to Life in Iranian Jurisprudence and Law". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(1): 33-44.